



## The Constitutionalist Party of Iran (Liberal Democrat)

تغییر رژیم در ایران ربطی به اوپاما ندارد

دکتر شاهین فاطمی

باید باکمال صراحت و شفافیت به جهانیان فهماند که جز تغییر رژیم چاره دیگری برای حل مسائل ایران و منطقه وجود ندارد. اما انجام این مهم تنها منوط به اراده و همت ایرانیان است. تا زمانی که این نظام غیرمشروع با تسلط بر ابراز سرکوبی و خشونت موجودیت خودش را بر ملت ایران تحمیل می‌کند، همواره باید جهانیان در انتظار ماجراجویی‌های منطقه‌ای و جهانی باشند.

در تهران جشن گرفته‌اند چونکه آقای اوپاما گفته است سیاست آمریکا در ایران تغییر رژیم نیست. معلوم نیست چه مطلب تازه‌ای در این پیام یافته‌اند. تغییر رژیم در ایران تنها زمانی به وقوع خواهد پیوست که ملت ایران هم اراده کند و هم از عهده آن برآید. آنچه این نظام خواستار آن است پشتیبانی آمریکا میباشد. آنها سرانجام دریافته‌اند که اربابان روسی چندان قابل اعتماد نیستند. نه تنها آمریکا بلکه هیچ دولت و قدرتی در جهان نخواهد توانست از زوال نظام جمهوری اسلامی پیشگیری کند. نظامی که نطفه آن در ظلمت و بحران جان گرفته و جز ایجاد آشوب و ترور و وحشت کاری از آن ساخته نیست با صلح و صفا و آرامش بیگانه است. نخست ایران را ویران کردند و سپس به افغانستان، عراق و لبنان و سوریه پرداختند. تروریسم را در سراسر منطقه و حتی اروپا و آمریکا گسترش دادند. مخالفان ایرانی خود را گروه گروه در خیابان‌ها و در زندان‌ها به قتل رساندند و زنجیره قتل‌ها و جنایاتشان به ماورای مرزهای ایران رسید. برای کشتن روشنفکران، نویسندگان و دکراندیشان آدمکشان حرفه‌ای را به میدان آوردند و بیش‌ترانه برای انجام این جنایت‌ها میلیون‌ها دلار جایزه تعیین کردند. پس از گذشت بیش از سه دهه از این بلای خانمانسوز و گسترش تروریسم حکومتی در سراسر منطقه و سایر نقاط جهان سرانجام مردم و حکومت‌های غربی از خواب غفلت بیدار شدند و برپیشانی «محوریلیدی» مهر باطل زدند. امروز تروریسم و تروریست‌ها در هر لباس و در هرکجا شناسایی شده‌اند و هر روز دایره عمل آنها تنگتر می‌شود.

آنچه طی چند ماه اخیر روی داده است همانند واکنش‌های زنجیره‌ای یکی پس از دیگری شرایط را برای جمهوری اسلامی مشکل‌تر کرده است. سواى فشار تحریم‌ها و قطع بخش بزرگی از درآمد نفت، در صحنه بین‌المللی هم جمهوری اسلامی ناچار به قبول خفت و عقب نشینی شده است.

از افغانستان تا فلسطین و از عراق تا لبنان و سوریه همه جا نقشه‌های جمهوری اسلامی و عوامل آن یکی پس از دیگری نقش بر آب شده است. هر کجا مردم با موفقیت به پای صندوق‌های رای رفته‌اند و توانسته‌اند به شیوه دموکراتیک به اهداف خود نزدیکتر شوند میخ دیگری بر تابوت نظام جمهوری اسلامی کوبیده‌اند.

آینده جمهوری اسلامی در منطقه

آیا می‌توان تصور کرد که در شرایط متلاطم امروز خاورمیانه، جمهوری اسلامی خواهد توانست همچنان پا برجا باقی بماند؟ پاسخ این سنوال برای سران حکومت در تهران کاملاً روشن است و دلیل اصلی این همه اخلاخ در عراق، افغانستان، لبنان، سوریه و روند صلح میان اعراب و اسرائیل دقیقاً با پاسخ این سنوال مرتبط است. مسأله پیروزی یا شکست آمریکا نیست، برای جمهوری اسلامی اصل مهم تداوم تنش در منطقه و عقیم ماندن کوشش‌های مردمی برای استقرار دموکراسی است. اگر آنها در امر صلح میان اعراب و اسرائیل اخلاخ می‌کنند یا برای فلسطینی‌ها کشتی‌های پر از اسلحه و مهمات می‌فرستادند، دلیل آن اعتقاد به اصالت مبارزات مردم فلسطین نیست. اگر اندکی دلشان به حال مردم آن دیار می‌سوخت این چنین به آشوبگران و تروریست‌ها کمک نمی‌کردند. برای جمهوری اسلامی صلح میان اعراب و اسرائیل مترادف با مرگ رژیم آخوندیست. آنها بی‌جهت دایه دلسوزتر از مادر نشده‌اند، آنها می‌دانند اگر این زخم دیرینه در منطقه التیام باید دیگر

جایی برای حکومت‌های فاسد و دیکتاتوری در منطقه نخواهد بود. امروز در حالی که همه جهانیان چشم امید به مذاکرات میان ابوماذن و تنبیهو دوخته‌اند، جمهوری اسلامی پیش از هر کشور دیگری در منطقه مشغول خرابکاری و تحریک عناصر افراطی و تروریست علیه دولت خود مختار فلسطین است.

جمهوری اسلامی نمی‌خواهد و نمی‌تواند شاهد گسترش صلح و دموکراسی در منطقه باشد زیرا موجودیت نظام در تضاد آشکار با این اهداف است. این پیامی است که باید هر چه شفافتر و رساتر به اطلاع افکار عمومی غرب به ویژه مردم اروپا برسد. مسأله ملت ایران با این نظام، تنها مسأله سلاح‌های اتمی نیست، مسأله اصلی مشروعیت نظام است. انرژی هسته‌ای اگر زیر کنترل یک حکومت مردمی و مسئول باشد جایی برای نگرانی باقی نمی‌گذارد. این همه نگرانی و هیاهو به علت ماهیت ماجراجوی نظام جمهوری اسلامیست. باید با کمال صراحت و شفافیت به جهانیان فهماند که جز تغییر رژیم چاره دیگری برای حل مسائل منطقه وجود ندارد. اما انجام این مهم تنها منوط به اراده و همت ایرانیان است. تا زمانی که این نظام غیرمشروع با تسلط بر ابراز سرکوبی و خشونت موجودیت خودش را بر ملت ایران تحمیل می‌کند، همواره باید جهانیان در انتظار ماجراجویی منطقه‌ای و جهانی باشند. خشونت درونمرزی و ماجراجویی در صحنه خارجی دو روی سکه نظام جمهوری اسلامی است.

پاریس:  
دوم اکتبر 2013